

**نویسنده:** پوول . آر . پیلر «Paul .R. Pillar» .

**منبع و تاریخ نشر:** ریسپونسیبل سنیت گرفت «2024-04-05» .

**برگردان:** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

## آیا طرح اسرائیل برای کشاندن آمریکا به جنگ با ایران است

**Is Israel's plan to draw the US into a war with Iran?**

نتانياهو بايد بداند که تهران به حمله به سفارتش در سوریه پاسخ نظامی خواهد داد، سوال اینجاست که آیا نیروهای آمریکایی هدف قرار خواهند گرفت .

**Netanyahu must know Tehran will respond militarily to the attack on its embassy in Syria, the question is whether American troops will be a target**



جدید ترین تشدید خشونت اسرائیل در منطقه ای که از قبل خشونت آمیز است، دولت بایدن را با یکی از بزرگترین چالش های خود در دور نگه داشتن ایالات متحده از جنگ جدید خاورمیانه مواجه می کند .

بمباران یک مجتمع دیپلماتیک ایران در دمشق توسط اسرائیل که منجر به کشته شدن یک فرمانده ارشد سپاه پاسداران ایران و چندین مقام ایرانی دیگر علاوه بر حداقل چهار شهروند سوری شد، تشدید قابل توجهی بود. حمله به محوطه سفارت علاوه بر اینکه به اندازه بسیاری از حملات هوایی قبلی اسرائیل یک اقدام تجاوزکارانه در سوریه بود، این بار در حقیقت یک حمله مستقیم به ایران بود.

رهبران ایران برای پاسخ قاطعانه فشار زیادی را احساس خواهند کرد. میزان این فشار را می‌توان با تصور اینکه نقش‌ها معکوس می‌شود، درک کرد. چنین فرض کنید که اگر ایران سفارت اسرائیل یا ایالات متحده را بمباران کرده بود، یک واکنش خشونت‌آمیز و مرگبار نه تنها مورد انتظار بود، بلکه از سوی سیاستمداران و افکار عمومی نیز مورد انتظار بود.

در ایران نیز، احساسات مردمی می‌تواند نقشی مشابه در چنین موقعیت‌هایی ایفا کند، همان‌طور که در فوران احساسات عمومی نشان داد که حمله هواپیمای بدون سرنشین آمریکا، فرمانده برجسته سپاه پاسداران، قاسم سلیمانی را چهار سال پیش ترور کرد. با نگاهی حساب شده‌تر، همان‌طور که نیاز به "بازگرداندن بازدارندگی" اغلب به عنوان توجیهی برای پاسخ‌های خشونت‌آمیز ایالات متحده یا اسرائیل شنیده می‌شود، چنین محاسباتی نیز می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های ایران به چشم بیاید.

یک روز پس از حمله، **علی خامنه‌ای**، رهبر ایران، قول به انتقام داد و گفت: «اسرائیل مجازات خواهد شد». نماینده ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد بر حق ایران برای «پاسخ قاطع به این‌گونه اقدامات مذموم» تاکید کرد.

رهبران ایران فشارهایی را در جهت دیگر نیز احساس می‌کنند. دخالت در یک جنگ جدید به نفع ایران نخواهد بود و رهبران آن به دنبال چنین جنگی نبوده‌اند.

دلایل آن عبارتند از: حقارت نظامی قطعی شده ایران در برابر اسرائیل یا ایالات متحده و مشکلات عمیق اقتصادی آن. دلیل اصلی اینکه تنش‌های منطقه‌ای با محوریت شرایط غم‌انگیز نوار غزه بیش از آنچه تاکنون تشدید نشده است، خویشتنداری است که ایران در شش ماه پس از حمله حماس به جنوب اسرائیل نشان داده است (حمله‌ای که رهبران ایران را به اندازه هر کس دیگری غافلگیر کرد).

اما ایران به نحوی به حمله اسرائیل پاسخ خواهد داد. پیش‌بینی دقیق اینکه از کدام یک از گزینه‌های موجود استفاده می‌کند، به همان اندازه که تصمیمات خود رهبران ایران دشوار است، زیرا آنها سعی می‌کنند ملاحظات متناقضی را که بر آنها سنگینی می‌کند متعادل کنند. تنها چیزی که می‌توان با اطمینان گفت این است که پاسخ‌های ایران در زمان‌ها و مکان‌های انتخابی تهران خواهد بود.

چندین خط احتمالی از گمانه زنی‌ها می‌تواند در مورد انگیزه‌های اسرائیل در حمله به محوطه سفارت در دمشق اعمال شود. شاید اسرائیل این عملیات را یکی دیگر از عملیات بمباران هوایی چندین ساله خود هدف مرتبط با ایران در سوریه می‌داند. اطلاعات با افسران سپاه در محوطه سفارت هدف فرصتی را فراهم کرد و اسرائیل از این فرصت استفاده کرد.

یا ممکن است این حمله را یکی دیگر از مظاهر خشم ملی کنترل نشده‌ای بدانیم که از زمان عملیات حماس در ماه اکتبر مشخصه اسرائیل بوده است. این ممکن است نوعی ضربه زدن آسیب‌رسان و بی‌دقتی باشد که پرزیدنت بایدن در اکتبر گذشته وقتی به اسرائیلی‌ها گفت که آمریکایی‌ها «شوکه، درد و خشم» را درک می‌کنند، درباره آن هشدار داد، اما اسرائیل نباید توسط این خشم «مشوق» شود. وی خاطر نشان کرد که ایالات متحده در میان خشم خود پس از 11 سپتامبر «اشتباهاتی نیز مرتکب شده است» - اشاره ای غیر مستقیم به آغاز جنگ تهاجمی علیه عراق، کشوری که هیچ ارتباطی با حمله 11 سپتامبر نداشت.

اما بمباران تأسیسات سفارت ایران در دمشق به اندازه کافی تشدید (و گسترش تجاوزات اسرائیل علیه قوانین جنگ) بود که احتمالاً منعکس‌کننده تصمیم دقیق حساب شده در بالاترین سطوح دولت بنیامین نتانیا هو بود. این محاسبات ربطی به هیچ ضربه‌ای نداشت، که احتمالاً کوتاه‌مدت و حداقلی است که از دست دادن افسران سپاه در توانایی‌های ایران ایجاد می‌کند.

در عوض، این حمله بخشی از تلاش برای تشدید راه خروج اسرائیل از وضعیتی بود که در آن هدف اعلام شده آن یعنی «نابودی حماس» دور از دسترس است، انزوای جهانی اسرائیل به دلیل اقداماتش در غزه در حال تبدیل شدن به غیرقابل انکار است و حتی اسرائیل معمولاً پشتیبانی خود کار ایالات متحده به وضوح نرم شده است. برای شخص نتانیا هو، تشدید و گسترش جنگ، تا جایی که این به معنای ادامه آن به طور نامحدود است، تنها امید آشکار او برای دور زدن مشکلات سیاسی و حقوقی خود است.

تشدید تنش به عنوان راهی برای اسرائیل برای خروج از بن بست غزه دو عنصر دارد. هدف اصلی تحریک ایران برای ضربه زدن است، که می‌تواند اسرائیل را قادر سازد تا خود را به عنوان دفاع‌کننده و نه توهین‌آمیز معرفی کند و بحث را از تخریبی که در غزه ایجاد می‌کند دور کند و به سمت نیاز به محافظت از خود در برابر دشمنان خارجی سوق دهد. عنصر دیگر افزایش شانس دخالت مستقیم آمریکا در درگیری با ایران است. اگر چنین شود، جنگ در خاورمیانه نه تنها به عنوان موضوع حمله اسرائیل به فلسطینیان بلکه شامل سهام ابرقدرت حامی اسرائیل نیز خواهد بود.

ایالات متحده می‌تواند از دو طریق وارد درگیری اسرائیل و ایران شود. یکی از این موارد می‌تواند از طریق درخواست‌های سیاسی در داخل ایالات متحده برای واشنگتن برای اقدام مستقیم تر برای دفاع از "متحد ما اسرائیل" در هنگام حمله از سوی ایران باشد.

راه دیگر این است که اقدامات تلافی جویانه ایران علیه اسرائیل به اهداف ایالات متحده نیز کشیده شود. معقول بودن این امر - علیرغم فرودستی نظامی ایران - با تفکر تغییر نقش بیشتر قابل درک می شود. در ایالات متحده هرگز تردیدی در مقصر دانستن ایران برای هر کاری که دریافت کنندگان کمک انجام می دهند وجود ندارد، حتی اگر - مانند حمله 7-اکتبر حماس به اسرائیل - ایران در اقدام مشتری شرکت نداشته باشد. از این رو، برای مثال، دیوید ایگناتیوس، ستون نویسنده، می نویسد که «اسرائیل در مبارزه با حماس و دستمزدهای آن در ایران، دلیل عادلانه ای دارد».

دستمزدهای اسرائیل در واشنگتن بسیار بیشتر از آنچه ایران در اختیار حماس یا سایر دوستانش قرار داده است، ارائه کرده اند. این واقعیت زیربنای اظهارات نماینده ایران در شورای امنیت است که «آمریکا مسئول تمام جنایات رژیم اسرائیل است». این، و این واقعیت که حمله اسرائیل به محوطه سفارت ایران در دمشق، مانند هموار کردن محله های اسرائیل در غزه، با هواپیماهای نظامی پیشرفته توسط ایالات متحده انجام شد.

جنگ با ایران به دلایل بسیاری از جمله هزینه های مستقیم انسانی و مادی، اختلال در فعالیت های اقتصادی که آمریکایی ها را تحت تأثیر قرار می دهد، نارضایتی خارجی که منجر به انتقام جویی های خشونت آمیز بیشتر می شود، اثر در کردن دیپلماسی ارزشمند، و انحراف نظام، برای منافع ایالات متحده بسیار مضر است. توجه و منابع از دیگر نگرانی های مبرم سیاست خارجی ایالات متحده است.

اجتناب از چنین جنگی نه تنها نیازمند دولتمردی ماهرانه در برخورد تاکتیکی با بحران ها است، بلکه به فاصله گیری استراتژیک تر از روابط عجیب با اسرائیل که ایالات متحده را وارد وضعیت دشوار و خطرناک کنونی کرده است، دارد. ایالات متحده باید از تصورات فرسوده در مورد اینکه چه کسی متحد و چه کسی دشمن است دور شود و به این نکته توجه کند که چه کسی متجاوز است و چه کسی نیست. علیرغم ارجاعات مکرر متقارن به "جنگ سایه" بین ایران و اسرائیل، مجموعه ای از وقایع در آن جنگ، الگوی نامتقارن اسرائیل را نشان می دهد که بیشتر خشونت ها را آغاز می کند و ایران عمدتاً پاسخ می دهد. فاصله گرفتن ایالات متحده از این الگو نه تنها به نفع ایالات متحده بلکه به نفع صلح و امنیت منطقه است

## **چند سطری در مورد نویسنده این مقاله تحلیلی:**

### **پل آر پیلار**

پل آر پیلار در سال 2005 از یک شغل بیست و هشت ساله در جامعه اطلاعاتی ایالات متحده بازنشسته شد که آخرین سمت او به عنوان افسر اطلاعات ملی برای خاور نزدیک و جنوب آسیا بود. او پیش از این در پست های تحلیلی و مدیریتی مختلفی از جمله رئیس واحدهای تحلیلی سازمان سیا، که بخش هایی از خاور نزدیک، خلیج فارس و جنوب آسیا را پوشش می داد، خدمت کرد. آخرین

کتاب او فراتر از لبه آب: چگونه حزب‌گرایی سیاست خارجی ایالات متحده را فاسد می‌کند. او همچنین یکی از سردبیران این نشریه است.



پل آر پیلار

..... **با تقدیم احترامات** «2024-04-05»